

عامل چین و روسیه در تعامل فزاینده هند و آمریکا

نویسنده: دکتر آندری کارتونوف، تحلیل‌گر مسائل هند و اقیانوسیه و عضو هیئت‌رئیس شورای فدراسیون روسیه

مترجم: دکتر سید محمدجواد یزدان مهر، عضو هیئت علمی گروه زبان روسی دانشگاه فردوسی مشهد

اخیراً فرضیات و پیش‌بینی‌های زیادی از سوی کارشناسان و رسانه‌ها در مورد آینده احتمالی روابط هند و آمریکا و تأثیر احتمالی آنها بر جایگاه هند در نظم نوظهور جهانی مطرح شده است. در واقع، تعامل هند و ایالات‌متحده نه تنها برای این دو کشور، بلکه برای کل نظام بین‌الملل نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. خیلی چیزها به همکاری در حال توسعه هند و آمریکا در آسیا و سراسر جهان بستگی دارد.

سفر اخیر نرندرا مودی نخست‌وزیر هند به ایالات‌متحده در راستای روندهای فعلی همکاری هند و ایالات‌متحده انتظارات، امیدها، نگرانی‌های زیادی را در نقاط مختلف جهان ایجاد کرده است. البته، روسیه در بحث جاری یک نظاره‌گر غیرفعال نیست. کرملین توسعه تعامل هند و آمریکا را با نگرانی و حسادت آشکار دنبال می‌کند. بسیاری از محققان روسی بر این باورند که پیشرفت در این روابط تنها از طریق دوستی سنتی روسیه و هند حاصل می‌شود و معتقدند که ایالات‌متحده به تدریج موفق می‌شود هند را در بازی بزرگ ژئوپلیتیک به طرف خود جلب کند و روسیه را از جایگاه خود به عنوان یک شریک استراتژیک ممتاز سلب کند.

به احتمال زیاد همکاری‌های فنی - نظامی بین ایالات‌متحده و هند به گسترش خود ادامه خواهد داد. هند همچنان بزرگترین واردکننده تجهیزات نظامی در جهان است. طبق گزارش انستیتو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم (SIPRI)، هند ۱۱ درصد از واردات جهانی را به خود اختصاص داده است. اگرچه روسیه شریک اصلی دفاعی هند است، اما دهلی مدت‌هاست که به طور فعال در تلاش است تا منابع واردات خود را متنوع کند. البته، دلایل زیادی برای این باور وجود دارد که شرکت‌های دفاعی آمریکایی به رقابت شدید برای بازارهای پرسود هند ادامه خواهند داد.

تجارت دوجانبه و سرمایه‌گذاری مستقیم ایالات‌متحده در هند نیز افزایش می‌یابد. اگرچه ایالات‌متحده در حال حاضر یکی از شرکای تجاری پیشرو هند است، ما پتانسیل رشد در تجارت دوجانبه به پایان نرسیده است. این امر هم در مورد صادرات هند به ایالات‌متحده و هم در خصوص صادرات ایالات‌متحده به هند صدق می‌کند و بر طیف

گسترده‌ای از صنایع شامل محصولات کشاورزی، مهندسی، الکترونیکی و دیگر بخش‌های خدماتی تأثیر می‌گذارد. این احتمال وجود دارد که دیاسپورای (جوامع دور از وطن) بزرگ هند در ایالات متحده به یک واسطه مهم در روند رو به رشد تجارت دوجانبه تبدیل شود.

از نظر ژئوپلیتیک، شکل‌گیری مشارکت هند و اقیانوس آرام ادامه خواهد یافت. هند قبلاً از طریق گفتگوهای سیاسی دوجانبه فشرده در سطوح مختلف و چندجانبه، روابط سیاسی قوی با ایالات متحده برقرار کرده است. بدون شک این روند ادامه خواهد داشت و منجر به همکاری‌های متنوع‌تر و چندبعدی بین هند، ایالات متحده، استرالیا و ژاپن خواهد شد. ایالات متحده هند را به تقویت روابط با کشورهای پیشرو عرب خلیج فارس و همچنین اسرائیل تشویق خواهد کرد. با گذشت زمان، دهلی ممکن است روابط خود را با ناتو متناسب با نیازهای خود تقویت کند، به ویژه اگر تنش‌ها در روابط هند و چین بیشتر شود.

هند و ایالات متحده به طور مشترک به ترویج ارزش‌های لیبرال دموکراتیک ادامه خواهند داد. در ایالات متحده معمولاً هند را بزرگترین دموکراسی در جهان "می‌نامند. رهبران هند به «اجلاس‌های دموکراسی» که توسط دولت جو بایدن برگزار می‌شود، دعوت می‌شوند. این بدین معنا است که کارآمدی الگوی سیاسی لیبرال تنها به جهان غرب محدود نمی‌شود.

آمریکا نمی‌تواند جایگزین روسیه به عنوان تأمین‌کننده اصلی تجهیزات نظامی هند شود. کرملین به شدت نگران جایگاه آینده روسیه در بازارهای دفاعی هند هست. علاوه بر این، استدلال می‌شود که انجام یک عملیات نظامی ویژه ممکن است محدودیت‌های بیشتری را برای عرضه تسلیحات روسی به هند اعمال کند، زیرا بخش دفاعی روسیه نیازهای نیروهای مسلح خود را بر نیازهای هر شریک خارجی اولویت خواهد داد. اگر بدبینانه بنگریم، همکاری دفاعی روسیه و هند ممکن است به ترتیب به دلیل فشار آمریکا بر هند و فشار چین بر روسیه محدودتر شود. در واقع، سهم روسیه به تدریج در حال کاهش است: در طول ده سال گذشته از ۶۴٪ به ۴۵٪ کاهش یافته است، در حالی که سهم فرانسه و ایالات متحده در مجموع به ۴۰٪ افزایش یافته است. با این حال، اکثر قراردادهای دفاعی بزرگ دارای اینرسی زیادی هستند و بعید است که یک شبه لغو شوند. ما نباید پتانسیل قابل توجه همکاری که طی سال‌ها همکاری موفق بین مسکو و دهلی انباشته شده است را فراموش کنیم.

روسیه دارای چندین مزیت محسوس در حوزه نظامی-فنی است، از روابط بلندمدت نهادی و حتی شخصی با شرکای هندی گرفته تا قیمت‌ها که معمولاً به طور قابل توجهی کمتر از تأمین‌کنندگان آمریکایی یا اروپایی است. البته تا حد زیادی به توانایی روسیه برای برآوردن نیازهای رو به رشد هند برای جبران، کنترل کیفیت محصول، خدمات فنی پس از فروش و غیره بستگی دارد. به طور خلاصه، در حالی که تلاش برای تنوع بخشیدن به بازارهای دفاعی هند رشد خواهد کرد، روسیه احتمالاً برای مدت طولانی شریک اصلی دفاعی هند باقی خواهد ماند.

بعید است که چیزی شبیه به منطقه تجارت آزاد بین ایالات متحده و هند به وجود بیاید. اگرچه هند با بیش از ۵۰ کشور دارای دسترسی آسان، همکاری اقتصادی و توافقنامه تجارت آزاد است، اما همچنان کشوری نسبتاً محافظه‌کار است. هیچ اتحاد سیاسی یا دفاعی بین ایالات متحده و هند وجود نخواهد داشت. دو دلیل برای این پیش‌بینی وجود دارد. ایالات متحده هیچ سابقه‌ای مبنی ورود به ائتلاف‌های سیاسی و یا نظامی با شرکای برابر خارجی ندارد. علیرغم ماهیت رسمی چندجانبه‌اش، واشنگتن همواره در هر یک از اتحادیهایی که از زمان جنگ جهانی دوم به آن ملحق شده است (مثلاً ناتو یا AUKUS) موقعیت پیشرو داشته است. هند آماده نیست که در آینده نزدیک به "شریک کوچک" ایالات متحده تبدیل شود. ثانیاً، یکی از ویژگی‌های اساسی سیاست خارجی هند، تمایل به تعادل دقیق «آرزوهای هند و اقیانوس آرام» و «اولویت‌های اوراسیا» است. هند ممکن است در مورد بریکس یا سازمان همکاری شانگهای ملاحظاتی داشته باشد، چراکه این دو مکانیسم برای ایجاد تعادل و گسترش همکاری با غرب ضروری هستند. علاوه بر این، تعمیق تعامل با واشنگتن به احتمال زیاد دهلی را از حفظ روابط دوستانه سنتی در اوراسیا و کشف فرصت‌های جدید برای تعامل با روسیه یا ایران باز نخواهد داشت.

در آینده قابل پیش‌بینی، ایالات متحده هند را به عنوان یک "دموکراسی بالغ" تمام‌عیار نخواهد دید. بسیاری در ایالات متحده در مورد تکامل کلی نظام سیاسی هند تردید جدی دارند: آنها استدلال می‌کنند که هند از یک لیبرال دموکراسی به یک مدل اقتدارگراتر در حال حرکت است که به نوبه خود، رهبری هند آماده کپی مکانیکی مدل سیاسی لیبرال غربی بدون تطبیق آن با واقعیت‌های هند نیست. علاوه بر این، هند و ایالات متحده مواضع متفاوتی در مورد تعدادی از مسائل مهم جهانی مانند تغییرات اقلیمی دارند. به دلیل تاریخ پیچیده روابط دو جانبه، بی‌اعتمادی خاصی نسبت به ایالات متحده در جامعه هند وجود دارد. سیاست ایالات متحده در منطقه به رشد بی‌اعتمادی نیز کمک می‌کند.

در مجموع، دست کم گرفتن پتانسیل‌های دست‌نخورده همکاری هند و آمریکا که تنها محدود به حل مشکلات مشترک مهار چین نیست، بلکه پویایی قدرتمند خود را دارد، اشتباه است. مشارکت هند و ایالات متحده در راستای منافع اساسی هر دو کشور است و احتمالاً بدون توجه به تغییرات سیاسی احتمالی در هر دو کشور، در آینده نیز ادامه خواهد داشت. در عین حال، ساده‌انگاری است که بگوییم هند در نظم نوظهور جهانی موضعی آشکارا طرفدار آمریکا یا غرب خواهد داشت.

مانند روسیه، هند نیز به احتمال زیاد در برابر تحولات نوظهور نظام بین‌الملل به‌سوی دو قطبی سفت‌وسخت ایالات متحده و چین مقاومت خواهد کرد، زیرا چنین تحولی ناگزیر دهلی‌نو را از بسیاری از فضای مانور هند در حال حاضر محروم خواهد کرد. این احتمال وجود دارد که رشد آینده تجارت هند و به‌طور کلی فعالیت‌های اقتصادی خارجی هند بیشتر با چین و سایر همسایگان آسیایی مرتبط باشد تا با شرکای خارج از کشور از جمله ایالات متحده.

بنابراین روسیه نباید از گسترش همکاری هند و آمریکا وحشت داشته باشد. تا کنون، این روند تهدیدی جدی برای مسکو ایجاد نکرده است، زیرا عمدتاً به دلیل علاقه دو کشور به مهار پکن است. در این زمینه، ایالات متحده با همکاری نظامی-فنی روسیه و هند با تفاهم برخورد می‌کند و آن را یکی از اشکال متعادل کردن مواضع مسلط چین در آسیا می‌داند.

از نظر ژئوپلیتیکی، روسیه تمایل دارد که دیدگاه خود از منطقه هند و اقیانوس آرام را با تلاش‌های ایالات متحده برای حفظ هژمونی استراتژیک در اقیانوس آرام و اقیانوس هند در برابر قدرت رو به رشد چین مرتبط کند. با این حال، هند کمی متفاوت به آن نگاه می‌کند و مفهوم منطقه هند و اقیانوس آرام را فرصتی برای گسترش حضور سیاسی و اقتصادی خود در شرق تنگه مالاکا می‌داند. از دیدگاه استراتژیست‌های هندی، برخلاف همتایان آمریکایی خود، جایگاه مرکزی در منطقه متعلق به کشورهای آسه آن است، نه ایالات متحده. این شرایط باید هنگام روشن شدن ارزیابی روسیه از مفهوم هند و اقیانوس آرام در نظر گرفته شود.

مشارکت نظامی با واشنگتن باید به هند کمک کند نه تنها پکن را مهار کند، بلکه توانایی دهلی‌نو را برای نمایش قدرت در اقیانوس هند و فراتر از آن افزایش دهد. با توجه به آرزوهای هند برای تبدیل شدن به یک قدرت واقعی جهانی و همچنین تنوع سریع تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری این کشور در خارج از کشور، دهلی‌نو این قابلیت‌ها را به عنوان یک جزء حیاتی از ابزارهای سیاست خارجی ملی خود می‌بیند.

علاوه بر تنوع، هند علاقه‌مند به استفاده از روابط با ایالات‌متحده در زمینه نظامی-فنی برای دسترسی به برخی از پیشرفته‌ترین فناوری‌های ایالات‌متحده است که هند به شدت به آنها نیاز دارد - هوش مصنوعی، G5، محاسبات کوانتومی، توسعه هوافضا و غیره. ایالات‌متحده می‌تواند به منبع مهمی برای نوسازی اقتصاد هند در کل، از جمله بخش‌های کلیدی غیرنظامی - حمل‌ونقل، فناوری اطلاعات، داروسازی، رباتیک و بسیاری دیگر تبدیل شود. این دلیل دیگری است که همکاری دفاعی ایالات‌متحده و هند در طول سال‌ها رشد و تعمیق خواهد یافت.

علاوه بر این، بسیاری از شرکت‌های آمریکایی فعال در آسیا احتمالاً به دنبال انتقال سایت‌های تولیدی اصلی خود از چین به هند خواهند بود که با استراتژی «ساخت در هند» دهلی‌نو مطابقت دارد و بدون شک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا در هند را افزایش خواهد داد. ادامه رشد سریع طبقه متوسط هند فرصت‌های جدیدی را برای همه شرکای خارجی ایجاد می‌کند و ایالات‌متحده نیز از این قاعده مستثنا نیست. هند می‌تواند به قطب اصلی اقتصادی آسیا برای ایالات‌متحده تبدیل شود و به مشاغل آمریکایی در کشورهای همسایه جنوب آسیا و خاورمیانه خدمت کند.

این روند به احتمال زیاد ادامه خواهد داشت، به ویژه اگر دموکرات‌ها پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ در کاخ سفید باقی بمانند و نظام سیاسی هند توانایی خود را برای رسیدگی موفقیت‌آمیز به بسیاری از چالش‌های مدرنیزاسیون امروزی کشور نشان دهد. نظام سیاسی لیبرال هند همچنین فرصت‌های فراوانی برای افزایش همکاری دوجانبه با ایالات‌متحده در سطح غیردولتی شامل احزاب سیاسی، دانشگاه‌ها، اتاق‌های فکر مستقل، رسانه‌ها و نهادهای جامعه مدنی ایجاد می‌کند که بعید است ایالات‌متحده در روابطش با کشورهایمانند چین که از نظر سیاسی سیستم متمرکزتری دارند به آن دست پیدا کند. در نهایت، به عنوان یک کشور انگلیسی‌زبان، هند می‌تواند ادعای یک مزیت نسبی در ایجاد یک رابطه چندوجهی با ایالات‌متحده، از روابط اقتصادی گرفته تا ارتباطات بشردوستانه داشته باشد.

همچنین باید توجه داشت که تجارت هند و آمریکا به شدت به نفع هند منحرف شده است. این امر احتمالاً به نارضایتی مداوم در ایالات‌متحده دامن می‌زند و می‌تواند تلاش‌های بیشتر واشنگتن را برای گرفتن امتیازات تجاری یک‌جانبه و منافع دهلی‌نو در ازای تقویت روابط امنیتی دوجانبه بیشتر کند. هند نارضایتی‌های تجاری و سرمایه‌گذاری خود را با ایالات‌متحده دارد و دهلی اغلب ترجیح می‌دهد به جای ایالات‌متحده با اتحادیه اروپا مذاکره کند. بسیاری از تحلیل‌گران هندی خاطر نشان می‌کنند که استراتژی فعلی آمریکا در قبال هند هیچ برنامه تأثیرگذاری برای کمک به نوسازی اقتصاد هند از سوی ایالات‌متحده ندارد.

در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، ایالات متحده به شرکای هندی خود به صراحت اعلام کرد: روابط ایالات متحده و هند باید در خدمت منافع فوری تجارت آمریکایی باشد و نه اهداف استراتژیک مدرن کردن هند. در دوران جو بایدن، علیرغم ابعاد قابل توجهی در لفاظی، این رویکرد دستخوش تغییرات اساسی نشده است.

اخیراً، پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، در آسیا و به ویژه در هند، تردیدها در مورد قابل اعتماد بودن تضمین‌های امنیتی ارائه شده توسط واشنگتن به متحدان و شرکای خود به طور فزاینده‌ای ابراز شده است. دلایلی وجود دارد که باور کنیم ایالات متحده حاضر نخواهد بود در یک بحران جدی به کمک دوستان خود بیاید، به خصوص اگر انجام این کار خطرات و هزینه‌های بالقوه‌ای برای ایالات متحده داشته باشد. حتی اگر روابط ایالات متحده و هند به سطح مشارکت متحدین برسد، هنوز مشخص نیست که آیا واشنگتن آماده حمایت نظامی مستقیم از دهلی در صورت تشدید مجدد درگیری مرزی هند و چین خواهد بود یا خیر.

سناریویی که در آن ایالات متحده قویاً از هند در صورت رویارویی نظامی با پاکستان حمایت کند، کمتر محتمل است. نمونه‌ای از موضع خویشتن‌دار ایالات متحده در قبال چنین موضوعاتی، واکنش بسیار محتاطانه به بحران حاد روابط روسیه و ترکیه در نوامبر ۲۰۱۵ است که نیروی هوایی ترکیه یک جنگنده روسی را بر فراز مرز سوریه و ترکیه سرنگون کرد. چنین عدم اطمینان در مورد قابلیت اطمینان تضمین‌های امنیتی آمریکا، چشم‌انداز اتحاد دفاعی ایالات متحده و هند را زیر سؤال می‌برد.

به دلیل تاریخ پیچیده روابط دوجانبه، بی‌اعتمادی خاصی نسبت به ایالات متحده در جامعه هند وجود دارد. سیاست‌های ایالات متحده در منطقه که همیشه محدود نیستند و همیشه منافع هند را کاملاً در نظر نمی‌گیرند نیز منجر به رشد بی‌اعتمادی هند می‌شود. به عنوان مثال، مانورهای کشتی‌های جنگی آمریکایی در نزدیکی سواحل هند، گاهی اوقات بدون هماهنگی قبلی آمریکا با دهلی نو انجام می‌شود. تأثیر مهاجران بزرگ و موفق هندی در ایالات متحده بر روابط بین دو کشور را نمی‌توان دست کم گرفت، اما بخش قابل توجهی از این مهاجران نسبت به سیاست‌های داخلی که توسط نخست‌وزیر نارندرا مودی دنبال می‌شود منتقد هستند.

اهمیت چین

نقش "عامل چین" در تعامل هند و آمریکا را نباید دست کم گرفت. شاید نیم قرن پیش، دهلی امیدوار بود که هند بتواند به تنهایی و بدون هیچ‌گونه حمایت خارجی، پکن را مهار کند؛ اما این دیگر امکان‌پذیر نیست؛ چراکه رشد مداوم اقتصادی، فناوری و نظامی چین، شکاف در توانایی‌های دو کشور بزرگ آسیایی را به حدی افزایش داده است که تنها کمک‌های خارجی قوی می‌تواند موازنه قدرت هند و چین را که برای دهلی نامطلوب است اصلاح کند. این امر می‌تواند به هند کمک کند تا سیاست‌های مؤثر مهار یک رقیب قدرتمند را دنبال کند.

به دلایل واضح، روسیه نمی‌تواند چنین حمایتی را از شریک استراتژیک خود هند ارائه کند. مسکو تمام تلاش خود را می‌کند تا اطمینان حاصل کند که همکاری روسیه و چین دوستی سنتی روسیه و هند را تحت‌الشعاع قرار ندهد. با این وجود، مقیاس روابط روسیه و چین، از تعداد دیدارهای سران تا حجم تجارت دوجانبه، به طور قابل توجهی از مقیاس روابط بین مسکو و دهلی بیشتر است. از آنجایی که اتحادیه اروپا نمی‌تواند و بعید است که تبدیل به یک بازیگر نظامی بزرگ و پر قدرت شود، ایالات متحده گزینه مناسبی برای حمایت از هند در ارتقای تعادل ژئوپلیتیکی بین دو کشور پیشرو آسیایی است.

با این حال، در برخی از مناطق حیاتی برای هند، به نظر می‌رسد پکن شریک مهم‌تری برای دهلی نو نسبت به واشنگتن باشد. تجارت بین هند و چین و همچنین سرمایه‌گذاری چینی‌ها در هند به سرعت در حال رشد است. البته هند دسترسی شرکت‌های چینی را به بخش‌های حساس اقتصاد خود محدود می‌کند (مثلاً به شبکه‌های مخابراتی نسل جدید)، اما به‌طور کلی حجم روابط اقتصادی هند و چین کاملاً با روابط هند و آمریکا قابل مقایسه است. در بسیاری از جنبه‌ها، اقتصاد هند و چین به طور یکپارچه یکدیگر را تکمیل می‌کنند، به این معنی که نزدیکی اقتصادی بین دو قدرت بزرگ آسیایی ادامه خواهد یافت، حتی اگر تنش‌های سیاسی بین دهلی نو و پکن باقی بماند.

در هر صورت، هند مجبور به تعامل با چین در کشورهای "همسایگی مشترک" است. اگرچه این تعامل عمدتاً رقابتی است، اما می‌توان جبهه‌های همکاری را در آن ردیابی کرد. رهبران هند نگران برنامه کمک نظامی در مقیاس بزرگ چین به کشورهای همسایه میانمار و بنگلادش و همچنین حضور چشمگیر چین در مالدیو، سریلانکا و نپال نیستند، با این حال، این دقیقاً «واقعیت اوراسیا» است که هند، به هر شکلی باید آن را در نظر بگیرد.

ایالات متحده دیگر نمی‌تواند جایگزین چین به عنوان بازیگر اصلی اقتصادی در جنوب و جنوب شرق آسیا شود و همچنین نمی‌تواند همکاری نظامی-فنی چین در حال گسترش با بسیاری از کشورهای منطقه را از بین ببرد. در نتیجه، هند به ناچار باید حضور چین را در مناطق فرعی که برای دهلی‌نو مهم هستند، در نظر بگیرد. هرچند که حل و فصل اختلافات مرزی هند و چین در آینده قابل پیش‌بینی بسیار بعید به نظر می‌رسد. با این حال، در صورت اجرای مجموعه‌ای از اقدامات اعتمادساز در حوزه نظامی، نمی‌توانیم احتمال تثبیت وضعیت و کاهش تنش‌ها را رد کنیم. اگر این اتفاق بیفتد، انگیزه‌های موجود برای تقویت همکاری نظامی هند و آمریکا به ناچار بخشی از قدرت خود را از دست خواهند داد.

در بلندمدت، امکان تنش‌زدایی عمیق‌تر یا «بازسازی» در روابط هند و چین را نمی‌توان به طور کامل رد کرد. اگر این اتفاق بیفتد، فرآیندهای تحکیم فضای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بشردوستانه اوراسیا انگیزه قدرتمند جدیدی دریافت خواهد کرد. به نوبه خود، این فرآیندها ناگزیر منجر به محدودیت در توانایی ایالات متحده برای ادعای نقش داور عالی و متعادل‌کننده استراتژیک در امور اوراسیا خواهد شد.

بدیهی است که هند از برقراری روابط نزدیکتر با شرکای متعدد خود در منطقه آسیا و اقیانوسیه، از ژاپن و کره جنوبی در شمال گرفته تا استرالیا و نیوزیلند در جنوب خودداری نخواهد کرد و این صرف‌نظر از وضعیت فعلی یا رویارویی آمریکا و چین رخ خواهد داد.